

سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم و در خدمت تربیت این مردم باشد.



سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم و در خدمت تربیت این مردم باشد.

اما م خمینی (ره)

در عصر ما سینما یکی از عواملی است که مردم خسته و نگران را سرگرم می کند و ساعتها مانند افراد افسوس شده اوقات خود را صرف تماشای فیلمهای آن می نمایند. یکی از پژوهشگران در این باره می نویسد:

سینما تفریحی است ارزان و در آن واحد جمعیتی کثیر را در فضایی قلیل سرگرم می کند و تفریحی است که اکثر ساعات در دسترس جمعیتی است که در ساعات مختلف کار می کنند و بنابراین مناسب محیط شهری است. فشارهای زندگی واقعی شهری، میل به رهایی و گریز به عالم خیال را شدت می دهد و سینما از این جهت رغبت انگیز است. «

سینما در آئینه تعاریف و تعبیر گوناگون:

- جادویی مرموز که تصاویر زنده ای را در تالاری تاریک بر پرده پدیدار می کند و تماشاگر را مسحور می سازد. «آیزنشتاین» می گوید: سینما عبارت است از ایجاد رابطه ای جدید میان تصاویر مستقل.
- فرزند علم است گرچه آنرا «هنر» می دانند.
- «سینما» «هنر- صنعت» است.
- مجموعه ای از: «فن» و «صنعت» در کار تسخیر افکار عمومی است.
- وسیله ای برای پرکردن لحظات فراغت است.
- موثرترین ابزار بیانی است.
- حرفه ای برای «اشتغال» است.
- تجارتي با خطرات بسیار است.
- کمک دهنده در «آموزش» است.
- وسیله ای برای ارشاد و اعتلای انسانهاست.
- «سینما» «هنر هفتم» است و مجموع هفت هنر: عکاسی- گرافیک و نقاشی - تئاتر- طراحی صحنه- معماری - ادبیات.
- گاه گویند «سینما» نیز مانند مادر بزرگ، یک «قصه گو» است که او را می بینی و حرف او را می شنوی.
- ما گوئیم: «سینما» گاه آینه زندگی ما است و این وظیفه اصلی او است.

خصیصه دیگر

سینما هم زبانی خاص دارد که به جای «لغات» در زبان آن «تصویر» بیشتر کار می کند. هر جمله سینمایی یک قطعه نوار فیلم است که از پنج لغت تا پنج هزار لغت را گاه داراست و همان لغات را به گونه ای که «سینماگر» می گزیند کنار هم گذارده می شوند و تشکیل جمله و پاره کلام را می دهند و چون در هر فیلمی، سینماگر بر اساس تجارب خود، آن شکل ترکیبی را می سازد و نسبت به آن ساخت سابقه ای ندارد، از آنچه ساخته و یا آفریده است احساس رضایت می نماید.

تاثیر سینما

بدیهی است که آدمی از طریق حواس خود به خصوص گوش و چشم، با جهان خارج آشنا می شود و به هر مقدار از این دستگانهایی گیرنده محروم باشد به همان مقدار از دریافت حقائق آفرینش محروم خواهد بود و لذا از قدیم گفته اند: «کلمات فقد حساً فقد علماً» .

البته در میان این حواس، گوش و چشم، وظیفه سنگین تری به عهده دارند و چنانچه درباره دریافت موضوعی از این هر دو وسیله استفاده شود دریافتهای عمیق تر خواهد بود. بر همین اساس، بنای تعلیم و تربیت دنیا بر مبنای آموزش «سمعی و بصری» نهاده شده است. سینما از این هر دو وسیله در تفهیم مقاصد خودش بهره برداری می کند و به همین دلیل است که نفوذ و تاثیر آن بر روی مخاطبان از هر نوشته ویا متنی مکتوب بیشتر است.

یکی از پژوهشگران در این زمینه می نویسد: موقعیت و مشخصات تماشاگر هنگام تماشای فیلم از یک سو و جنبه فنی و مضمون فیلم از سوی دیگر، عوامل دو گانه ای هستند که برای توجیه نوع و چگونگی تاثیر پذیری تماشاگر باید در نظر گرفته شود. سینما یکی از

وسایل ارتباطی است که پیام، فکر و اندیشه از طریق آن منتقل می‌گردد و شکی نیست که محتوای این وسیله را پایه نفوذ آن باید دانست و از همین رو است که تحلیل محتوا اهمیتی خاص می‌یابد.

درواقع با اندک دقت در زندگی روزمره می‌توان به نقش سینما در سلیقه سازی و تاثیر در افکار عمومی پی برد و دریافت که از راه سینما اندیشه‌ها و سلیقه‌های جدید در اذهان عمومی نقش می‌بندد و در کردار آنان منعکس می‌شود و یا اندیشه و رفتار و کردار مردم، از فیلم و سینما تاثیر می‌پذیرد.

دیگری می‌نویسد: یک فیلم به طور کلی در افراد مختلف دارای اثری کم و بیش متفاوت است. هر کس بنا بر زمینه انفعالی دائم یا موقت و واکنش روانی خود، به نحوی خاص تحت تاثیر فیلم یا قسمتهای معینی از آن قرار می‌گیرد. سینما نوعی سحر و افسون در دنیای جدید است و تاریکی سالن سینما و تمرکز نگاه و فکر بر پرده سمینا تماشاگران را به حالتی مشابه به حالت انسان هیپنوتیزم شده می‌برد. توام بودن صوت و تصویر هم تاثیر سینما را بیشتر می‌کند و هم نیروی جاذبه آنرا فزونی می‌بخشد.

سینما در ایران

نخستین تصاویر متحرک بعد از ورود دوربین فیلمبرداری به ایران توسط میرزا ابراهیم خان عکاس باشی در سال 1901 میلادی روی نوار ضبط شد. این فیلمها جنبه تفننی و خصوصی داشتند و هرگز به نمایش عمومی در نیامدند. از سال 1258 قمری نخستین سالنهای نمایش در ایران شروع به کار کردند و بعد از آشنایی مردم با این هنر قرن بیستم بود که در سال 1299 شمسی «خان بابا معتضدی» که در فرانسه تحصیل کرده بود با خود دوربینی به ایران آورد و شروع به منظره برداری های کوتاهی کرد. در سال 1308 شمسی «اوانس اوهانیان» که در مدرسه سینمایی مسکو تحصیل کرده بود در ایران نخستین فیلم بلند داستانی را با نام آبی و رابی « به فیلمبرداری «خان بابا معتضدی» ساخت که متاسفانه این فیلم به کلی از بین رفته و اثری از آن باقی نمانده است. سال بعد 1309 «ابراهیم مرادی» در بندر انزلی فیلم «انتقام برادر» را جلوی دوربین برد که نیمه تمام ماند. اما به همان صورت به نمایش در آمد که ناموفق بود. بعد از آن وی فیلم دیگری به نام «بوالهوس» را ساخت که همزمان با «بوالهوس» دومین فیلم «اوهانیان» به نام «حاجی آقا اکتور سینما» روی پرده آمد. کپی این فیلم در فیلمخانه ملی ایران وجود دارد. این فیلم سند زنده ای است از عشق سازنده اش به هنر جوان و درحال تجربه زمان خود. در همان سال نخستین فیلم ناطق به زبان فارسی با نام «دختر لر» که با همکاری «عبدالحسین سپنتا» در هندوستان ساخته شده بود، در تهران به روی پرده آمد.

کارگردان فیلم «اردشیر ایرانی» بود و «عبدالحسین سپنتا» که هنوز به دقایق حتی فیلمسازی آشنایی نداشت، به نوشتن فیلمنامه، سر و دهن اشعار، آهنگها و بازی نقش اول اکتفا کرده بود. کیفیت بر تر فنی «دختر لر» نسبت به فیلمهای ساخته شده در ایران و به خصوص «گویا» بودنش، تماشاگران را به هیجان آورد و فیلم با موفقیتی بزرگ روبرو گردید. از سال 1901 میلادی تاکنون سینمای ایران دستخوش حوادث گوناگونی گردیده است و ایران اسلامی همواره با در اختیار داشتن هنرمندان متعهد، کارگردانان، نویسندگان و سایر عوامل خوش فکر و خوش سلیقه خود همواره فاتح جشنواره های بین المللی بوده است.

روز سینما بر تمامی دست اندرکاران سینمای کشور مبارک باد